

مدیرعامل شرکت لبنی دوشه آمل :رونق نسبی در سال گذشته ایجاد شد



مهندس بزرگمهر دادگر گفت: موهبت گشوده شدن مرزها ورود فن آوری و دانش و تسهیل در دسترسی به آن ها است. در نتیجه توفیق اجباری رشد، توسعه و قرار گرفتن در سطوح استانداردهای بین المللی شامل حال صنعت می شود. با اینحال قطعاً این اتفاق قربانی هایی دارد و تولید لبنیات در کشور محدود به چند برند معتبر خواهد شد اما توسعه و پیشرفت مداوم این چند برند نه تنها جبران حذف را خواهد کرد بلکه موجبات شکوفایی پیش از پیش را فراهم می کند.

بزرگمهر دادگر -مدیرعامل شرکت دوشه آمل(هراز)- در رابطه با وضعیت صنایع لبنی و توان رقابت خارجی آن می گوید که در کیفیت و تنوع به سطوح مناسبی رسیده ایم؛ اما به علت تکنولوژی نامناسب، بهای بالا و نوسانات قیمت در مواد اولیه و عدم فرایند محور بودن همچنان بهای تمام شده بالا، سبب محصولات لبنی توان رقابت با محصولات مشابه خارجی را ندارد.

به گزارش آگرو فود نیوز -در ادامه گفت و گوی خبرنگار اقتصادی ایلنا با این پیشکسوت صنایع لبنی کشور را می خوانید:

با توجه به اینکه اقتصاد کشور همچنان در رکود است، گرایش و روند اقتصادی در سالی که گذشت را چگونه ارزیابی می کنید؟

علی رغم اینکه همچنان اقتصاد کشور دچار رکود است منتها در سالی

که گذشت گرایش و روند اقتصاد به سوی بهبود بوده است. هم اکنون ثبات اقتصادی برقرار گردیده، تورم کاهش پیدا کرده، رونق نسبی در برخی از صنایع ایجاد شده، و رشد اقتصادی هم مثبت گردیده است. برخی از این شاخص ها البته به دلیل فروش و سرمایه گذاری های مناسب در بخش نفت و گاز است اما به طور قطع به لطف برجام از دوران فشار تحریم های سنوات پیشین گذر کرده ایم.

با توجه به روزهای پایانی فعالیت دولت یازدهم، کارنامه چهارساله دولت تدبیر و امید را چگونه ارزیابی می کنید؟

برای تولید کننده و سرمایه گذار در بخش تولید و صنعت، مهم ترین دغدغه حفظ سرمایه و توان پیش بینی صحیح و شفاف از آینده صنعت جهت هدف گذاری و برنامه ریزی است که این امر نیازمند ثبات در متغیرهای موثر در اقتصاد است. پس از رفع تحریم ها و پیامدهای مرتبط آن شاهد ثبات و رشد نسبی در اقتصاد، کاهش منظم تورم و گشوده شدن مرزها و تسهیل صادرات و احیاناً واردت کالاها و مواد اولیه مورد نیاز و ضروری هستیم. شاید مهم ترین دستاورد دولت یازدهم همین ثبات اقتصادی پس از رفع تحریم ها و حل شدن مساله هسته ای است. علی رغم اینکه گره زدن همه مسائل و سرفصل های اقتصادی به برجام ره به خطا رفتن است اما امروز نمی توان از تاثیر شگرف مناسبات بین المللی در اقتصاد و به تبع آن در سیاست و حاکمیت چشم پوشی کرد.

در حقیقت نمی توان مرزها را بست و دیواری دور خود کشید و انتظار شکوفایی در صنعت و اقتصاد و حتی رضایت جامعه را داشت. بنده معتقدم می بایست از ظرفیت های به وجود آمده برجام در حمایت و تقویت تولید و صنعت کشور استفاده گردد. ما در بسیاری از شاخه های صنعت دارای مزیت های نسبی و توان رقابت بین المللی هستیم. تقویت صنعت و تولید منجر به ثبات اقتصادی و به همین ترتیب منجر به رشد اقتصادی و در نهایت منتج به تقویت حاکمیت خواهد شد.

پس از به روی کار آمدن دولت جدید آمریکا و اقدامات و سیاست های دولت ترامپ، تحلیل شما در مورد فرصت ها و چالش های پیش روی چیست؟

روند حاکمیت و سیاست های دولت اوباما در قبال ایران در دولت ترامپ تغییر چندانی نخواهد کرد. سخنرانی های تند گاه و بیگاه ترامپ را می بایست در قالب رویکردهای پوپولیستی جهت برانگیختن احساس ناسیونالیستی و وطن پرستی بخشی از جامعه آمریکا جست و جو

کرد. آن بخش از جامعه که در دولت اوباما احساس کرده اند که اصالت آمریکا دچار خدشه شده است. عمدتاً این دسته سیاستمداران و سناتورهای جمهوری خواه، رای دهندگانشان و یهودیان طرفدار اسرائیل را شامل می گردد. ترامپ در کارزار انتخاباتی خود و حتی امروز همواره سعی در جلب رضایت این بخش از جامعه آمریکا دارد که از اتفاق دارای نفوذ و قدرت بالایی در کنگره هم هستند.

تیغ برنده دولت بوش و اوباما برای تهدید، فشارهای سیاسی و تحریم ها اقتصادی مسئله هسته ای ایران بود که تحت معاهده ای بین المللی (برجام) طی قطع نامه ای در شورای امنیت و شورای حکام به سرانجام رسید. به لطف برجام عملاً دست ترامپ برای فشار بر ایران خالیست و بالاجبار بر طبل موضوعات نخ نمایی مانند توان موشکی و حقوق بشر، حمایت از حزب الله و قص علی هذا می کوبد. همچنین برخلاف دولت اوباما در دولت ترامپ کشتیبان را سیاستی دگر آمده و روابط دولت آمریکا با روسیه هر روز در حال گرمتر شدن است. دیگر نه تنها خبری از تنش بین این دو کشور نیست بلکه اخیراً حتی اسرائیل هم به تبعیت از آمریکا علاقه خود به گسترش روابط با روسیه را نشان داده است. سفر چند روز اخیر نتانیاهو موید این اتفاق است. البته در کنار این مسائل تنش های اخیر اوباما با اروپا در مسئله ناتو و صدور روادید و تنش های اقتصادی با چین ابعاد دیگری از نتایج سیاست های دولت ترامپ است که ممکن است قدری پیش بینی ها در مورد سال های آتی را دشوار کند.

همانطور که گفتم حدس می زنم نباید انتظار چالشی در روند فعلی سیاست خارجی ترامپ در قبال ایران را داشت چالشی که احتمالاً منجر به نوساناتی در اقتصاد و روابط بین الملل ما خواهد شد. منتها ضمانت این عدم چالش حفظ لابی های بین المللی و استحکام روابط با شرکایمان در سطح بین الملل است. علی الحال به نظر من برجام به قدر کفایت جهت شکوفایی اقتصاد و تحکیم و توسعه روابط بین الملل فرصت ایجاد کرده است و دیگر نیازی به نگران بودن به فرصت های ایجاد شده احتمالی دولت ترامپ نیست.

□ در صورت پیروزی در انتخابات و ادامه فعالیت تیم روحانی، تحلیلگران از چشم انداز اقتصاد و صنعت در سال های آتی چیست؟

همانطور که پیش از این گفته شد، روند رو به بهبود است. این موضوع که رشد اقتصادی و صنعتی پیوندی ناگسستنی با دیپلماسی بین المللی دارد سال هاست اصلی پذیرفته شده است. بنده معتقدم دولت یازدهم

دچار دشواری های متعددی بود. در آغاز می بایست مسئله هسته ای و تحریم هایی را که گریبان اقتصاد و صنعت را میفشرد برطرف می کرد، پس از آن می بایست اقتصاد را از سرآشویی به وضعیتی متعادل انتقال می داد و در نهایت موجبات رشد را فراهم کند. انصافاً در دولت یازدهم علی رغم همه انتقادهایی که به آن وارد است در این امور نسبتاً موفق بوده است. مستقل از فشارهای داخلی و بین المللی، اگر روند مذکور حفظ گردد در صورت ادامه کار دولت شاهد شرایط مساعد تری جهت سرمایه گذاری در صنعت و شکوفایی اقتصاد خواهیم بود. با گشایش مرزها و ورود مجدد سرمایه گذاران خارجی و فرصت های ایجاد شده، می بایست در برخی از صنایع کمی محتاطانه سیاست گذاری کرد.

□ با گشایش نسبی مرزها، ورود سرمایه گذاران و کسب و کارهای بین المللی و تسهیل ارتباطات مالی و سرمایه گذاری، آینده صنعت لبنیات را چگونه ارزیابی می کنید؟

در کیفیت و تنوع به سطوح مناسبی رسیده ایم اما به علت تکنولوژی نامناسب، بهای بالا و نوسانات قیمت در مواد اولیه و عدم فرایند محور بودن همچنان بهای تمام شده بالا، سبب محصولات لبنی توان رقابت با محصولات مشابه خارجی را ندارد. مشکل دیگر برندینگ ضعیف و نداشتن هویتی شاخص و یکتا برای هر برند است. البته این مشکلی بنیادی در تمام صنایع کشور است.

به طور ساده این بدان معناست که تقریباً تمامی برندهای معتبر کشور همه چیز تولید می کنند در ذهن مصرف کننده هویت مشخصی ندارند. پایین بودن سرانه مصرف لبنیات را هم به این مسائل اضافه کنید. با این حال هنوز هم وضعیت فروش و صادرات وضعیت بدی نیست. اما آیا با ورود کسب و کارهای بین المللی در حقیقت رقابتی بین المللی چنین وضعیتی پایدار خواهد بود؟ پاسخ بنده در دو بازه زمانی تشریح می شود. در وضعیت فعلی همچنان ریسک تولید و فروش یک برند بین المللی در داخل کشور بالاست لذا گرایش به سمت شراکت در سرمایه گذاری، تولید و توزیع مشترک است. در حال حاضر چنین امری تهدید چندانی متوجه شرکت های داخلی نخواهد کرد. منتها با توجه به روند فعلی بهبود و ثبات اقتصاد و روابط بین الملل، در سال های پیش رو شرکت های بزرگ دنیا نسبت به سرمایه گذاری های مستقل در داخل اقدام می کنند. در نتیجه شرکت های داخلی محکوم به رقابت با محصولات مشابه خارجی خواهند بود. جهت بقا در چنین بازاری چاره ای جز دستیابی به سطح فن آوری و تولید بین الملل نخواهیم داشت.

موهبت گشوده شدن مرزها ورود فن آوری و دانش و تسهیل در دسترسی به آن هاست. در نتیجه توفیق اجباری رشد، توسعه و قرار گرفتن در سطوح استانداردهای بین المللی شامل حال این صنعت می شود. با اینحال قطعاً این اتفاق قربانی هایی دارد و تولید لبنیات در کشور محدود به چند برند معتبر خواهد شد اما توسعه و پیشرفت مداوم این چند برند نه تنها جبران حذف را خواهد کرد بلکه موجبات شکوفایی پیش از پیش را فراهم می کند.